

دیگران چه گفته‌اند؟

آرش خوشخو: بازی ویشکا آسایش در سریال «روزی روزگاری مریخ» شایسته تحسین و ستایش است. حضور ذهن، سرعت واکنش، سرعت ادای واضح کلمات، میمیک‌های بی نقص، چابکی در حرکت و درک بی نظیرش از مفهوم شوخی، بازی او را مستحق توجه ویژه‌ای کرده است. با داشتن ویشکا آسایش، آزاده صمدی و شقایق دهقان، سینمای ایران حالا ظرفیتی استثنایی برای خلق شخصیت‌های کمیک زنانه دارد. هر سه نفر در عرصه کمدی درخشان هستند. باور کنید مبالغه نمی‌کنم. بگذارید باز هم پیش‌روی کنم. در هر فیلم و سریال کمدی که این سه نفر در یک دهه اخیر بازی کرده‌اند کارشان یک سر و گردن از ستاره‌های مشهور مرد روبه‌رویشان بهتر و کم‌نقص‌تر بوده است.

محمدحسین گودرزی: «روزی روزگاری مریخ»، قرینه «مسافران» است. آن‌جا چند نفر از سفینه‌ای به زمین آمده بودند و این‌جا یک نفر از زمین به تازگی به مریخ رفته. مقایسه میان این دو قصه، اصلی‌ترین کلید بررسی «مریخ» در تمام بخش‌هاست. اول این‌که چون بستر اصلی قصه در «مسافران»، زمین و تهران بود، مختصات کلی و قراردادهای عمومی کاملی میان مخاطب و قصه وجود داشت. در این‌جا اما، مریخ نیاز به ترسیم قواعد اولیه داشته؛ و خب این کار به خوبی انجام نشده و نتیجه کار، بسیار شلخته از آب درآمده (که می‌تواند ناشی از عجله در تولید هم باشد)؛ فیلم‌نامه، یک قرارداد کلی که همان وارونگی مفاهیم و عادت‌ها در مریخ نسبت به زمین باشد، وضع کرده، اما مدام درگیر توضیح دادن بیش‌تر درباره آن است. در اولین دقایق، به مخاطب گفته که در مریخ، کوتاه‌قدی به بلندقدی ارجحیت دارد، اما هیچ حواسش نیست و در قسمت چهارم، دوباره شخصیت اصلی‌اش را از شنیدن چنین قاعده‌ای متعجب نشان می‌دهد. یا مثلاً حواسش نیست مطابق قرارداد سیاره جدید، نباید روی لباس نارنجی شبیه به سطل زباله شوخی کند. تمام این چهار قسمت را وقف مصداق پیدا کردن برای این قرارداد کرده و با «بیخ در جهنم» و «دامه تحصیل آقایان» و این دست مثال‌ها، در مخاطب توهم وجود روایت ایجاد می‌کند. درحالی‌که هیچ روایتی در کار نیست.

نظر عوامل

امیر نوروزی (بازیگر نقش اسکندر): در این سریال سعی کردم کمدی‌ای که ارائه می‌کنیم مبتدل و سطح پایین نباشد و طنزی متناسب با جهانی که برای مخاطب تعریف کردیم، داشته باشیم. اما متأسفانه مخاطب کمدی در این روزها فقط به شوخی‌های جنسی، کلامی یا بدنی و یا شوخی‌های دست‌چند سیاسی می‌خندد که هیچ کدامشان هیچ ثمره و پیشرفت اجتماعی ندارند. فیلم‌نامه پیش از هر چیزی به بازیگر در رسیدن به نقش کمک می‌کند، البته کشف جزئیات نقش برعهده بازیگر است. شخصیت اسکندر یا همان اسی مؤدب، قانونمند، ترسو، خجالتی و توسری‌خور است، او با وجود این‌که باهوش‌تر از بقیه است نمی‌تواند حقیقت را بگیرد و هیچکس او را جدی نمی‌گیرد. من سعی کردم همه ویژگی‌های شخصیت اسی را در رفتارم لحاظ کنم و او را در موقعیت‌هایی که قرار می‌گیرد، هرچند دور از زندگی واقعی و شخصی خود، درک کنم. در واقع نقاط ضعف اسی نقطه مهمی در کمدی است زیرا باعث کارمزمتیک شدن کاراکتر می‌شود.

چهره شاخص

ویسکا آسایش به دلیل اینکه فرسخ‌ها از شمال نقش‌های همیشگی‌اش فاصله گرفته و متفاوت‌تر از فیلم‌ها و سریال‌های کمدی دیگرش ظاهر شده، چهره شاخص «روزی روزگاری مریخ» است.



غریبه‌ای در ناکجاآباد

روزی روزگاری مریخ (پیمان قاسم‌خانی و محسن چگینی)

«روزی روزگاری مریخ» که مدتی است پخش‌اش را در نماوا و فیلیمو آغاز کرده، یک سریال کمدی به کارگردانی پیمان قاسم‌خانی و محسن چگینی است. سام درخشانی، ویشکا آسایش، امیر نوروزی، امیرمهدی ژوله، مهراب قاسم‌خانی، الناز حبیبی و امیر کاظمی از جمله بازیگران این سریال هستند. در کره زمین، ناصر (سام درخشانی) خلافکار بدشانس و همیشه بازنده می‌خواهد دست به آخرین و بزرگ‌ترین قمار زندگی‌اش بزند اما او باید تا قبل از آن، خودش را از دست دشمنانی که به خونس تشنه‌اند پنهان کند. ۳۷۰ سال بعد از این ماجرا و در مریخ، لونا (ویسکا آسایش)، بانوی زمینی-مریخی که مسئول امور اقامت در مریخ است درگیر و دار مشکلات کار و زندگی خانوادگی، در انتظار بسته مرمری است که قرار است از زمین به دستش برسد. تقابل میان ناصر و لونا با خانواده‌اش شکل می‌گیرد بستر ساز شکل‌گیری کمدی «روزی روزگاری مریخ» است.

نظر شخصی

آن‌چه در خصوص سریال «روزی روزگاری مریخ» به وضوح قابل رؤیت است، افت سطح کاری پیمان قاسم‌خانی در مقام نویسنده و کارگردان است. به طوری‌که اگر «مریخ» را در کنار دیگر نوشته‌های قاسم‌خانی قرار دهیم به سختی می‌توانیم باور کنیم که خروجی، کاری از اوست. حتی در زمینه کارگردانی «مریخ» نسبت به «خوب، بد، جلف» یک عقب‌گرد محسوس محسوب می‌شود. سریال قرار است یک کمدی موقعیت باشد اما کاراکتر پس از این‌که سر و کارش به مریخ می‌افتد دیگر خبری از ایجاد موقعیت نیست و همه چیز در شوخی‌های کلامی خلاصه می‌شود. از این رو با موقعیت‌هایی ایستا و ناهمگون طرف هستیم که هیچ کدام قادر به پیشرفت داستان و شخصیت نیستند. ناصر بالاخره روی مریخ قرار است چه کار کند؟ می‌خواهد به زمین‌اش برسد یا قید رفتن را برای همیشه زده؟ در او نه نشانه‌ای از تمایل به ماندن را می‌بینیم و نه میل به رفتن. همه چیز سریال در یک حلقه باطل افتاده و انگار از یک جایی به بعد قاسم‌خانی خواسته سیت‌کامی در مریخ بیافریند. با این حال آن‌چه مبرهن است عدم توفیق او علاوه بر موارد ذکر شده قبلی، در این آخری است. با این حال بی‌انصافی است اگر به موارد معدود مثبت کار اشاره نکنیم. بازی ویشکا آسایش در نقش یک مریخی - هرچند با یک فیلم‌نامه حساب‌شده‌تر امکان بازی بهتر او نیز فراهم بود - یا سام درخشانی در نقش یک فراری مال‌باخته از نکات مثبت سریال به حساب می‌آیند. البته قاسم‌خانی گریزی هم به «مسافران» می‌زند و از دستگاه ۶۵ که مدام در آن‌جا بهش اشاره می‌کرد در «مریخ» رونمایی می‌کند.